انترناسیونال 810

اصغر کریمی

**پیامدهای اجتماعی و سیاسی سیل**

سیل همچنان در استانهای مختلف جریان دارد و از مردم قربانی میگیرد. تاکنون صدها هزار نفر را بیخانمان کرده است، هزاران خانه را ویران کرده، زندگی دهها هزار نفر را نابود کرده و میلیون ها نفر را در حالیکه قبل از سیل هم اکثرا در فقر و محرومیت های بیشمار زندگی میکردند، در شرایطی جهنمی تر قرار داده است. فاجعه ای که دلیل اصلی آن وجود نحس حکومت اسلامی است، کماکان ادامه دارد.

**شوک اولیه و تاثیرات دیرپای سیل**

این یک شوک بزرگ به جامعه بود و همه چیز را تحت تاثیر قرار میدهد. ابعاد فقر که اکثریت مردم با آن دست و پنجه نرم میکردند، بسیار وسیع تر خواهد شد و پابپای آن معضلات اجتماعی گسترش خواهد یافت. حکومت رسواتر شد و در میان خود حکومتی ها دعواهای تازه و افشاگری های بیشتر شروع خواهد شد. اعتراضات و اعتصابات در کوتاه مدت تحت الشعاع سیل قرار خواهد گرفت و مشغله های مردم و تمرکز جامعه نیز متوجه نجات سیل زدگان و جمع آوری کمک به آنها و اعتراض به حکومت بدلیل لاقیدی به مردم میشود. اما با فروکش کردن سیل و رفع خطرات اولیه، میلیون ها نفر از شوک اولیه خارج شده و در صدد بازسازی زندگی خود برمیایند و در مقابل حکومتی قرار میگیرند که در بهترین حالت قول وام های ناچیز به مردم خواهد داد. صرفنظر از دهها یا صدها نفری که قربانی سیل شده اند، صدها هزار نفر خسارات سنگین دیده اند. دهها هزار نفر مسکن شان با خاک یکسان شده است و خانه های صدها هزار نفر خسارت جدی دیده است، وسایل زندگی بسیاری را سیل برده و دام های هزاران نفر از کشاورزان که تنها سرمایه زندگی شان است تلف شده است. مردمی که هفت سال قبل در زلزله ورزقان خانه و کاشانه خود را از دست دادند هنوز فاقد مسکن هستند، مردم سر پل زهاب همچنان در چادر و کانکس زندگی میکنند و حتی مردم زلزله زده بم، که ۱۷ سال قبل رخ داد، هنوز از مصائب آن رها نشده اند. اما اثرات این سیل بسیار وسیع و دیرپا خواهد بود و مردم، فعالین و سازماندهان اعتصابات و اعتراضات باید خود را برای رویارویی با مسائل جدیدی که سیل در مقابل جامعه گذاشته، آماده کنند. وارد شرایط تازه ای میشویم.

**فاجعه سیل، سیل اعتراض**

در مقایسه با زلزله در سر پل زهاب و ورزقان و بم و غیره، اینبار دو تفاوت مهم وجود دارد: شرایط سیاسی عوض شده و فاجعه هم مربوط به یک شهر و یک محل نیست. میلیون ها نفر در استانهای مختلف در شمال و فارس و سراسر غرب کشور با فاجعه مواجه شده اند. اگر اعتراض و همبستگی با زلزله زدگان سر پل زهاب با محدودیت هایی که حکومت ایجاد کرد، با گذشت زمان به حاشیه رفت اما اینبار اینطور نخواهد شد. اینبار سیل دیگری جاری میشود،‌ سیل اعتراض سیل زدگان و مردم سراسر کشور علیه حکومتی که بانی فاجعه سیل شد. اینبار نه سدها بلکه تحمل مردم است که به خیابان های شهرها سر ریز میشود. اشک هایی که به خشم و شعار، و غم و مصیبتی که به مشت های گره کرده تبدیل میشود. اینبار نه مردم فقیری که حتی توان فرار از سیل نداشتند، بلکه میلیاردرهای مفتخورند که در کاخ ها و ویلاهایشان آماج سیل اعتراض مردم قرار میگیرند و احساس ناامنی میکنند. تاثیرات سیل اینبار فراگیرتر و دیرپاتر است و در شرایطی که جامعه بویژه از دیماه ۹۶ وارد فاز تعرضی تری شده است، اعتراض بسیار عمیق میشود. مبارزه طبقاتی علیه فاجعه سیل حادتر میشود و عمق و دامنه اعتراض گسترش خواهد یافت.

**همبستگی انسانی**

فی الحال معلمان و بازنشستگان، دانشجویان و تشکل های مختلف کارگری و مردمی بیانیه های اعتراضی مهمی در انتقاد به دولت و برای کمک رسانی به سیل زدگان شروع کرده اند و شبکه های کمک رسانی در حال گسترش است. باید این حرکت را گسترش داد. تیم های کمک رسانی و پزشکی مردمی باید به مناطق سیل زده گسیل شوند. از تک تک مراکز کارگری انتظار میرود با انتشار بیانیه و یا دایر کردن صندوق های کمک به سیل زدگان جنبش همبستگی و همیاری را تقویت کنند. و تنها راه غلبه بر محدودیت هایی که حکومت در مقابل این کمک رسانی ها و اعزام تیم های کمکی ایجاد کرده، گسترش ابعاد این فعالیت ها است.

اینها اقدامات فوری برای کاهش مشقات مردم در این روزهای مصیبت بار است. اما همانطور که گفته شد مسائل واقعی با گذشت این روزها تازه دهن باز میکند. مصائب بسیار عمیق است و تاثیرات طولانی مدتی بر جامعه خواهد گذاشت. اینبار نباید گذاشت و نمیگذاریم حکومت با وعده های توخالی زمان بخرد و مردم را به حال خود رها کند. باید به همه آسیب دیدگان خسارت کامل داده شود. این خواست بحق مردم است و باید به خواست سراسر جامعه تبدیل شود. دولت باید میلیاردها دلار به این مساله اختصاص بدهد. غرامت ها باید توسط خود مردم و شوراهای مردم در هر محل تخمین زده شود و علنا اعلام شود و به فشاری روی حکومت تبدیل شود و به آگاهی عموم برسد. خواست قطع همه کمک هایی که به نهادهای مذهبی و سرکوب از نیروهای مسلح تا وزارت اطلاعات و سربازان امام زمان و غیره میشود، قطع هزینه هایی که صرف کمک به نیروهای اسلامی در سوریه و یمن و عراق و افغانستان و فلسطین میشود و قطع تمام حقوق های نجومی، همیشه مطرح بوده است اما این خواست ها امروز به خواست های عاجل کل جامعه باید تبدیل شود.

**کلیه امکانات در خدمت سیل زدگان**

حکومت میگوید تحریم هستیم و صندوق مان خالی است. اما صندوق ها با دزدی و اختلاس، با حقوق های نجومی و مصادره کارخانه ها و معادن توسط مقامات و آیت الله ها خالی شده است. صندوق ها را خالی کرده اند چون جیب هایشان را پر کرده اند و صرف ویلاسازی و سرمایه گذاری در اقصا نقاط دنیا کرده اند. چون صرف تسلیحات موشکی و تاسیسات اتمی کرده اند که امروز آنها را با بتون پر کرده اند. مصادره این اموال بمنظور تامین زندگی سیل زدگان و نیز افزایش حقوق ها و تحصیل و درمان رایگان و سایر نیازهای مردم باید به صدر خواست های مردم و کلیه نهادها و تشکل ها تبدیل شود. مساله فقط اختلاس نیست، بحث بر سر تمام این هزینه هاست که بخش اعظم بودجه کشور را به خود اختصاص میدهد و در مقابل اکثریت مردم را به خاک سیاه نشانده است. اکنون دیگر برای همه مردم روشن است که صدها میلیارد دلاری که صرف سپاه و وزارت اطلاعات و سایر ارگان های سرکوب به بهانه تامین امنیت شده به ناامنی بیشتر برای اکثریت مردم تبدیل شده است. امنیت برای مفتخوران و ناامنی برای اکثریت ۹۹ درصدی جامعه. این باید عوض شود. امنیت واقعی برای مردم و کوتاه کردن دست دزدان و قطع هزینه هایی که برای تحمیق مذهبی و سرکوب مردم و برای بقای حکومت صرف میشود. مردم در مقابل سیل و زلزله امنیت میخواهند. امنیت شغلی میخواهند، امنیت مدارس را میخواهند، تامین زندگی میخواهند. اینها را باید به گفتمان اصلی جامعه تبدیل کرد. اینها خواست های مشروعی هستند که مردم باید در مقابل مقامات بگویند و بخواهند و به شعارها و بیانیه های اعتراضی خود تبدیل کنند.

**ایجاد شوراها عاجل تر میشود**

یک حلقه مهم در گسترش و تعمیق و سراسری شدن مبارزات تشکل های توده ای و سراسری است. امروز ضرورت متشکل شدن در شوراها به عاجل ترین مساله جامعه تبدیل شده است. شوراها را باید همه جا ایجاد کرد. در مناطق سیل زده ایجاد شوراهای مردمی برای رسیدگی به معضلات سیل زده ها، خبررسانی و توزیع کمک ها و فشار به دولت برای اسکان بیخانمان ها و پرداخت غرامت یک مساله فوری و عاجل است. شوراها در این مناطق درد و رنج مردم را کاهش خواهند داد و به پشتوانه مادی و روحی مهمی برای مردم تبدیل خواهند شد. در سطح کشور نیز باید دست به تشکیل شوراهای شهری و محله ای زد و همه جا شوراهای سازماندهی اعتراض را ایجاد کرد و فوری ترین وظیفه این شوراها را روی مساله سیل زدگان متمرکز کرد. در سطح جامعه باید جنبش وسیع و توده ای برای سازمانیابی شروع شود. شوراها امر سازماندهی اعتصابات و اعتراضات سراسری را نیز بسیار تسهیل خواهند کرد.

**سیل و اول مه**

به اول مه و تاثیراتی که سیل روی آن میگذارد نیز باید اشاره کنم. همانطور که در ابتدای نوشته اشاره کردم همه چیز تحت تاثیر فاجعه سیل قرار گرفته است. اول مه امسال نیز مهر سیل را بر خود خواهد داشت. باید آگاهانه به استقبال آن رفت و اعتراض به لاقیدی حکومت در مقابل سیل زدگان و خواست های مردم به سیل زدگان را به یک گفتمان وسیع حول اول مه تبدیل کرد. اول مه روز اعتراض به سرمایه داری و نظام حاکم و علیه کلیه مصائب آن است. طبقه کارگر به این معنی کل جامعه و مصائب مختلفی که سرمایه داری و حکومت آن به مردم تحمیل کرده است از جمله مردم سیل زده را باید نمایندگی کند. این یک شرط مهم توده ای شدن اول مه امسال نیز هست. معضلی که گریبان میلیون ها نفر را گرفته است را باید با تمام قوا در بیانیه های اول مه مطرح کرد. از همین الان اول مه را به سیل گره زد و به جامعه فراخوان داد. فعالین کارگری و اجتماعی باید با تمام قوا در شبکه ها و شوراهای همیاری با سیل زدگان شرکت کنند و گفتمان اول مه را به گفتمان فعالی در این حرکت توده ای تبدیل کنند. اینها دو مساله متفاوت نیست. یک جنبش است. جنبشی انسانی، جنبشی طبقاتی، جنبشی علیه کل مصائب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم، جنبشی برای تحکیم اتحاد و همبستگی میان همه محرومان و ستمدیدگانی که قصد سرنگونی حکومت منحوس اسلامی سرمایه داران و مصائب آنرا دارند.

- - - - -

نکاتی برای هایلایت شدن:‌

در مقایسه با زلزله در سر پل زهاب و ورزقان و بم و غیره، اینبار دو تفاوت مهم وجود دارد: شرایط سیاسی عوض شده و فاجعه هم مربوط به یک شهر و یک محل نیست. تاثیرات سیل اینبار فراگیرتر و دیرپاتر است و در شرایطی که جامعه بویژه از دیماه ۹۶ وارد فاز تعرضی تری شده است، اعتراض بسیار عمیق میشود. مبارزه طبقاتی علیه فاجعه سیل حادتر میشود و عمق و دامنه اعتراض گسترش خواهد یافت.

اینبار نباید گذاشت و نمیگذاریم حکومت با وعده های توخالی زمان بخرد و مردم را به حال خود رها کند. باید به همه آسیب دیدگان خسارت کامل داده شود. این خواست بحق مردم است و باید به خواست سراسر جامعه تبدیل شود.

صدها میلیارد دلاری که صرف سپاه و وزارت اطلاعات و سایر ارگان های سرکوب به بهانه تامین امنیت شده به ناامنی بیشتر برای اکثریت مردم تبدیل شده است. امنیت برای مفتخوران و ناامنی برای اکثریت ۹۹ درصدی جامعه. این باید عوض شود.

شوراها را باید همه جا ایجاد کرد. در مناطق سیل زده ایجاد شوراهای مردمی برای رسیدگی به معضلات سیل زده ها، خبررسانی و توزیع کمک ها و فشار به دولت برای اسکان بیخانمان ها و پرداخت غرامت یک مساله فوری و عاجل است. شوراها در این مناطق درد و رنج مردم را کاهش خواهند داد و به پشتوانه مادی و روحی مهمی برای مردم تبدیل خواهند شد.

اول مه امسال نیز مهر سیل را بر خود خواهد داشت. باید آگاهانه به استقبال آن رفت و اعتراض به لاقیدی حکومت در مقابل سیل زدگان و خواست های مردم به سیل زدگان را به یک گفتمان وسیع حول اول مه تبدیل کرد. اول مه روز اعتراض به سرمایه داری و نظام حاکم و علیه کلیه مصائب آن است.